



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی

عنوان :

تغییرات ساخت واژی، صرفی، نحوی و معنایی در گویش گیوی

(از فارسی میانه تا امروز)

استاد راهنما :

دکتر حسن امامی

استاد مشاور :

دکتر محمد حسین قرشی

نگارش :

مرجان دری گیو

۱۳۹۰

الحمد لله
الرحمن الرحيم

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر فراوان از زحمات بی دریغ استاد گرامی جناب آقای دکتر امامی و تلاش های ایشان و با سپاس از همکاری و زحمات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر قرشی که در تهیه و نگارش این پایان نامه یاری گر من بوده اند. و با قدردانی از زحمات سایر اساتید بزرگوارم.

چکیده

تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی تغییرات ساخت واژی، صرفی، نحوی و معنایی که از فارسی میانه تا امروز در گویش گیوی صورت گرفته است، بپردازد و ضمن مقایسه ی برخی ویژگی های ساخت واژی، صرفی، نحوی و معنایی فارسی میانه با گویش گیوی نشان دهد که شماری از این مشخصه ها در گویش گیوی - نسبت به گویش معیار - کم تر دچار تغییر شده اند. در حوزه ی ساخت واژه، واژگان مشتق و مرکب؛ در زمینه ی صرف و نحو، اسامی، صفات، اعداد، افعال و جملات؛ در بخش معنا، انواع تغییرات معنایی شامل کاهش، گسترش، کاربرد مجازی و تغییر مدلول مورد بررسی قرار گرفته است؛ در مواردی که تحول یک مشخصه ی زبانی فارسی میانه، در گویش گیوی و معیار به دو شکل متفاوت صورت گرفته، به این اختلاف اشاره شده است. داده های مربوط به فارسی میانه از منابع نوشتاری - کتاب و لغت نامه - و اطلاعات مرتبط با گویش گیوی بر اساس گفتار گویشوران بومی و اطلاعات شخصی محقق به عنوان یک گویشور بومی گردآوری شده است. نتیجه ی این بررسی می تواند اثبات این فرضیه باشد که به علت انزوای روستای گیو - و هم چنین کل منطقه ی جنوب خراسان - و دور بودن آن از مرکز، شماری از ویژگی های زبانی فارسی میانه که در گویش معیار امروز از میان رفته اند در گویش گیوی حفظ شده و برخی دیگر که در فارسی معیار دچار تحول گشته، در گویش گیوی با تغییرات کم تری همراه بوده اند.

کلید واژه ها: فارسی میانه، گویش گیوی، تغییرات ساخت واژی، تغییرات صرف و نحوی، تغییرات معنایی

فهرست مطالب

فصل اول

- ۱-۱ مسئله ی تحقیق ۱
- ۲-۱ فرضیه ی تحقیق ۳
- ۳-۱ ضرورت تحقیق ۴
- ۴-۱ روش تحقیق ۵
- ۵-۱ ادبیات تحقیق ۶
- ۶-۱ تاریخ تحول زبان فارسی ۸
- ۶-۱-۱ فارسی میانه یا پهلوی ۱۱
- ۷-۱ زبان؛ گویش؛ لهجه ۱۳
- ۸-۱ معرفی روستای گیو ۱۴

فصل دوم

ساخت واژه

- ۲-۱ واژگان مشتق ۱۷
- ۲-۱-۱ پسوندهای اشتقاقی ۱۷
- ۲-۱-۲ پیشوندها ۳۵
- ۲-۱-۳ فعل مشتق ۴۱
- ۲-۲ اسم مرکب ۴۷
- ۲-۲-۱ اسم مرکب آزاد ۴۷
- ۲-۲-۲ اسم مرکب وابسته ۴۹
- ۲-۳ صفت مرکب ۵۲
- ۲-۳-۱ صفت مرکب وابسته ۵۳
- ۲-۴ فعل مرکب ۶۰

فصل سوم

صرف و نحو

- ۳-۱ کلیات ۶۴
- ۳-۲ اسم ۶۴
- ۳-۲-۱ معرفه و نکره ۶۶
- ۳-۲-۲ مفرد و جمع ۶۹
- ۳-۳ صفت ۷۱
- ۳-۳-۱ درجات صفت ۷۴
- ۳-۴ عدد ۷۵
- ۳-۴-۱ اعداد ترتیبی ۷۶
- ۳-۴-۲ اعداد اعشاری ۷۷
- ۳-۵ فعل ۷۸
- ۳-۵-۱ ساخت ماده افعال سببی ۸۰
- ۳-۵-۲ پیشوندهای فعل ۸۱
- ۳-۵-۳ افعال ناقص ۸۷
- ۳-۵-۴ فعل مجهول ۹۰
- ۳-۵-۵ صورت های اسمی فعل ۹۱
- ۳-۵-۵-۱ اسم مفعول ۹۱
- ۳-۵-۵-۲ اسم فاعل ۹۳
- ۳-۵-۵-۳ مصدر ۹۴
- ۳-۶ جمله و انواع آن ۹۵
- ۳-۶-۱ جمله ی ساده ۹۷
- ۳-۶-۱-۱ جمله ی خبری ۹۷
- ۳-۶-۱-۲ جمله ی امری ۱۰۰
- ۳-۶-۱-۳ جمله ی پرسشی ۱۰۱
- ۳-۶-۲ جمله ی مختلط ۱۰۷
- ۳-۶-۳ جمله ی مرکب ۱۱۲
- ۳-۶-۳-۱ جمله های پیرو اسمی ۱۱۲
- ۳-۶-۳-۲ جمله های پیرو وصفی ۱۱۳
- ۳-۶-۳-۳ جمله های پیرو قیدی ۱۱۵

۱۲۰..... ۴-۳-۶-۳ جمله های پیرو شرطی

فصل چهارم

معنا

۱۲۲..... ۴-۱ تحول معنایی

۱۲۵..... ۴-۱-۱ گسترش معنایی

۱۲۷..... ۴-۱-۲ کاهش معنایی

۱۲۹..... ۴-۱-۳ کاربرد مجازی

۱۳۱..... ۴-۱-۴ تغییرمدلول

۱۳۲..... ۴-۲ مقایسه ی تحولات معنایی در فارسی معیار و گویش گیوی

فصل پنجم

۱۳۶..... نتیجه گیری

۱۴۳..... فهرست منابع

۱۴۸..... جداول راهنمای آوانگار

۱۵۰..... چکیده انگلیسی

فصل اول

کلیات

۱- مسئله‌ی تحقیق

زبان امری است اجتماعی که به عنوان وسیله‌ی ای برای برطرف کردن رگزه‌های افراد جامعه‌ی بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ از آن جا که جامعه‌ی بشری پیوسته دستخوش تغییر و تحول است و هر گونه تغییر در جامعه منحصر به دگرگوری رگزه‌های آن جامعه می‌شود به ناچار زبان آن اجتماع رهن دچار تغییر و تحول می‌گردد (باقری، ۱۳۷۵: ۱۷). این تغییر و تحول می‌تواند آواها و اصوات، ساخت کلمات (صرف)، رابطه‌ی هم‌نشینی کلمات در جمله (نحو)، واژگان و معنای آن‌ها را شامل شود. دگرگوری‌های آوایی که می‌تواند با حذف، اضافه شدن و تغییر آواها و طی تغییر در شیوه‌ی ترکیب آن‌ها همراه باشد، کاملاً قاعده مند است؛ به عنوان مثال هرگاه آوای «p» در واژگان دوره‌ی می‌کنانه یعنی دو مصوت قرار گرفته در دوره‌ی جدیدی تبدلی به «b» شده است. تحولات صرفی تغییر در چگونگی ظاهر شدن کلمات را در بافت شامل می‌شود. چنان که شمار مثنوی فارسی باستان در دوره‌ی می‌کنانه و جدیدی کاملاً از می‌کنان رفته است. طی دگرگوری نحوی روابط هم‌نشینی یعنی واژگان، گروه‌ها و جملات تغییر می‌کند؛ مثلاً در دوره‌ی می‌کنانه صفت توضیحی به راحتی می‌تواند قبل از اسم قرار گیرد در حالی که در فارسی جدیدی چنین ترکیبی در بسطی موارد عجیب به نظر می‌رسد. گاهی واژگان زبان دچار تحول می‌گردد بدین صورت که واژه‌هایی منسوخ و واژه‌هایی خلق می‌شوند طی ساخت واژگان زبان تغییر می‌کند. به عنوان مثال واژه‌ی ātur (آتش) دوره‌ی می‌کنانه در فارسی امروزی از این رفته است. تحولات معنایی به تغییر معنایی واژگان محتوایی می‌انجامد. نمونه‌هایی از این تحول واژه‌ی Čihr است که در دوره‌ی می‌کنانه به معنای «خوی و طبع» می‌باشد اما در فارسی جدیدی در معنای

«صورت» استفاده می شود. گرچه میزان قاعده مندی تحولات صرفی، نحوی، واژگاری و معنایی نسبت به تغییرات آوایی کم تر است با این حال نمی توان آن ها را کاملاً تصادفی و بدون هدف فرض کرد.

تحقیق حاضر به بررسی تحولات ساختاری واژی، صرف و نحوی و معنایی که از فارسی میانه تا امروز در گویش گوهی رخ داده، می پردازد. در بخش ساخت واژه، واژگان مشتق و مرکب مورد بررسی قرار می گیرد. در بررسی واژه های مشتق چگونگی تغییر پیشوندها و پسوندها در گذر از فارسی میانه تا گویش امروز ساکنان روستای گوهی مورد بحث قرار می گیرد و در مورد ساختمان کلمات مرکب انواع امکانات ترکیب در فارسی میانه ذکر و با گویش گوهی مقایسه می شود. در بخش صرف و نحو، اسم، صفت، عدد و فعل و هم چنین ساخت جملات ساده، هم پای و ناهم پای در دوره ی میانه بررسی و با گویش گوهی مقایسه می شود. و اما در بخش معنا، تحولات معنایی صورت گرفته در واژگان فارسی میانه (تا گویش امروز گوهی) مورد بحث قرار می گیرد.

در طول تحقیق سعی بر آن است که بیشتر ویژگی هایی مورد تأکید قرار گیرد که تغییرات آن ها در گویش گوهی متفاوت از فارسی معیار بوده است. به عبارت دیگر یکی از اهداف تحقیق این است که نشان دهیم گویش گوهی کم تر تحت تأثیر فارسی معیار قرار گرفته و برخی از مشخصه های دوره ی میانه را که هم اکنون در معیار از بین رفته اند در خود حفظ کرده است.

۱-۲ فرضیه ی تحقیق

روستای گوهی را منسوب به پهلوان نامی شاهنامه و داماد رستم، گیو، می دانند. عده ای بر این باورند که وی در این محل سکونت داشته و این منطقه در اختیار او بوده است. برای اثبات این نظر می گویند روستای دیگری که در شمال غربی گیو واقع و به گیوشاد موسوم است، محلی است که به گیو خبر خوش دادند. آن گاه او دستور داد در آنجا قناتی جاری ساخته و بدین مناسبت آن را گیوشاد نامیدند. در غرب روستای گیو، روستای نسبتاً بزرگی موسوم به ماژان قرار دارد که آن را منتسب به زن گیو (دختر رستم) می دانند. در

شمال گیو نیز روستایی به نام سلم آباد وجود دارد که آن را آباد شده به وسیله ی سلم (پسر فریدون) می دانند (دری گوه، ۱۳۴۹: ۴).

نام این روستا و روستاهای اطراف آن که اسامی موجود در شاهنامه می باشد و هم چرخن حفاری های انجام شده در این روستا که منجر به کشف گورهایی متعلق به دوره ی قبل از اسلام شد، نشان می دهد قدمت این روستا به دوره ی قبل از اسلام بر می گردد. علاوه بر این مردمان این روستا در گذشته ملقب به گبر بوده اند که این خود می تواند گواه دیگری بر این مطلب باشد (ترابی، ۱۳۶۹: ۳). هم چنین وجود دو کتیبه ی لاج مزار و کال چنگال، منسوب به دوره ی اشکاری، در اطراف شهرستان یی چند نشانی از قدمت کل این منطقه است. شایان ذکر است که متن کتیبه ی کال چنگال به زبان پارسی یا پهلوی اشکانی است (اکبرزاده، ۱۳۸۲: ۱۷). براساس مطالب بیان شده، انزوای روستا و در مجموع دور بودن منطقه ی جنوب خراسان از مرکز، بخش یعنی می شود که گویش های این منطقه کم تر دچار تغییری شده و برخی ویژگی های زبانی فارسی میانه که در گویش معلول از این رفته اند در خود حفظ کرده باشد.

۱-۳ ضرورت تحقیق

در عصر حاضر که گویش های محلی، در نتیجه ی گسترش وسایل ارتباط جمعی، افزایش سطح سواد عمومی، گسترش ارتباطات و بسطی نگاه های تحقیقی آمین به گویشوران محلی، بخش از بخش در معرض انقراض قرار گرفته اند، توصیف و ضبط آن ها می تواند تأثیری بسزایی در حفظ این گویش ها داشته باشد. از سوی دیگر مطالعه ی درزماری گویش های محلی، ضمن ارائه ی اطلاعاتی ارزشمند در مورد تغییرات زبان ها و گویش ها در بستر تاریخ، شباهت ها و پیوندهای خانوادگی آن ها را نیز نشان می دهد (فاروقی، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۲۱).

گذشته از ضرورت انجام مطالعات گویش شناسی به طور عام، مطالعه ی گویش های ایاری به طور خاص اهمیت زیادی دارد؛ چرا که تاریخ زبان فارسی را روشن می سازد و به رفع نکات مبهم و حل نشده ی زبان های میانه و قدیم کمک می کند. از سوی دیگر مطالعه ی این گویش ها می تواند ما را در بازسازی شکل

باستانی زبان های میانه ایاری طوی کند چنان که بخشی از دانش فعلی ما در مورد تاریخ ایران باستان با مطالعه ی زبان قوم ایاری به دست آمده است که علم تاریخ و باستان شناسی به تنهایی قادر به کشف آن نبوده اند (فاروقی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

زبان ها و لهجه های ایرانی گنجینه هایی هستند که هم چون بستر رودخانه ها رسوبات فرهنگی قرن های تاریخ را در خود دارند. هر لایه ای از این رسوبات نشانی از یک مرحله ی تاریخی و فرهنگی این سرزمین کهنسال است. در گذشته به زبان ها و لهجه های محلی چندان توجهی نمی شد، تا جایی که امکان داشت آن ها در محدوده های جغرافیایی خود به مرور زمان نابود و فراموش شوند. ادامه ی این وضع می توانست به فقر فرهنگی و زبانی جامعه منجر شود.

با توجه به مطالب ذکر شده بهیچگونگی اهمیت بررسی گویش های ایاری و نگاه تاریخی به آن ها، گویش گوی را که یکی از گویش های جنوب خراسان است در بستر تاریخ از دوره ی مئانه تا امروز بررسی می کنیم. وجود مشخصه های مشترک مئان فارسی مئانه و گویش گوی که در فارسی معاصر امروزی وجود ندارد می تواند داللی بر این مطلب باشد که گویش گوی به علت انزوای این منطقه کم تر دچار تغییری شده است.

۱-۴ روش تحقیق

در بررسی تاریخی هر زبان طی گویش نخست نیازمند اطلاعات دقیق پیرامون ویژگی های آن در دوره های موردنظر هستیم. به عبارت دیگر توصیف هم زمان هر زبان مقدمه ی انجام بررسی در زمانی آن است. از این رو نخست به جمع آوری اطلاعاتی پیرامون ساخت واژه، صرف و نحو و معنای واژگان در فارسی مئانه پرداخته ایم. مطالب مربوط به ساخت واژه و صرف و نحو از کتاب های دستو و نحو که بهیچگونگی زبان نوشته شده اند استخراج گردیده و برای یافتن معنای واژگان بیشتر از لغت نامه استفاده شده است. در توصیف گویش گوی از گفته های گویشوران آن و اطلاعات شخصی محقق به عنوان یک گویشور گوی

بهره گرفته ایم. از آن جا که در بررسی های گویشی راهنماهای بومی باید از مردم عادی، غیرمهاجر، مسن، روستایی و مذكر انتخاب شوند (یول، ۱۳۷۴: ۲۶۸) به اطلاعات شخصی خود اکتفا نکرده و با افراد بی سواد و مسن مقیم روستا برای ثبت نمونه های گویشی صحبت کرده ایم.

با توجه به مطالب در دسترس پیرامون فارسی میانه و گویش گیوی به مقایسه ی این دو پرداخته و هرگونه تغییری که در مواردی که تغییری در گویش گیوی کمتر از عشترازی معطوف بوده به این نکته اشاره می کنیم.

۱-۱۵ ادبیات تحقیق

پیش از این تحقیقاتی پیرامون شماری از گویش های جنوب خراسان از جمله دو گویش بیرجندی و قایینی که از گویش های معتبر این منطقه می باشند، صورت گرفته است. کهن ترین اثری که در مورد گویش بیرجندی یافته شده، مربوط به دو قرن پیش است. این اثر که سروده ی ملا علی اشرف صبوحی است "فرهنگ صبوحی" نام دارد و تمام آن به صورت دو بیت است. در سال ۱۳۳۳، احمد احمدی در دو نوبت و هر بار فقط هفت ضرب المثل بیرجندی را با توضیح فارسی آن نگاشته است. این ضرب المثل ها هیچ هماهنگی معنایی یا کاربردی با یکدیگر ندارند. در سال ۴۰-۱۳۳۹ ه.ش. ذبیح الله اشرف زاده پایان نامه ی تحصیلی لیسانس خویش را در دانشکده ی ادبیات مشهد تحت عنوان "گویش بیرجند" نوشته است. نامبرده مدعی شده است که در گویش بیرجندی بسیاری از حروف الفبا به هم تبدیل می شوند و این امر تحت قاعده ی معینی صورت نمی گیرد. در این پایان نامه به برخی فرآیندهای اشتقاقی-آوایی اشاره شده است و بعضی از اجزاء کلام در گویش بیرجندی مورد بحث قرار گرفته اند اما ارائه ی مطالب منظم نبوده است. در سال ۱۳۴۴، جمال رضایی پس از بررسی نسخه های مختلفی که از "فرهنگ صبوحی" یافته است، "فرهنگ صبوحی" را با توضیحات روشنگرانه ی خویش تحت عنوان "گویش بیرجند" به چاپ رسانده است. در واژه نامه ی این کتاب فهرست ۶۱۲ واژه ی "فرهنگ صبوحی" و معادل فارسی آن ها آمده است. جمال رضایی،

در سال ۱۳۵۵، در نوشته‌ی دیگری به مقایسه‌ی صرف فعل ماضی گویش کهن هرات - بر مبنای طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری- و صرف فعل ماضی در گویش بیرجند پرداخته است. اما در این مقایسه حد و مرز گویش بیرجند مشخص نشده است و تمام گویش بیرجندی به مثابه‌ی پدیده‌ی واحد و یکدست در نظر گرفته شده است (مهرجوف، ۱۳۷۰: ۹-۱۱). کتاب "بررسی گویش بیرجند (واج شناسی-دستور)" یکی از کارهای برجسته در این زمینه است که توسط جمال رضایی به رشته‌ی تحریر درآمده است. در این کتاب تمام اجزاء و واحدهای زبانی گویش بیرجند از اصوات و حروف و مختصات و دگرگونی آن‌ها گرفته تا ساختمان، اقسام، نقش‌های واژگان، ساختار انواع جمله‌ها با دقت بسیار مورد بررسی قرار گرفته و قواعد و ضوابط حاکم بر آن‌ها با شیوه‌ی علمی استخراج، مرتب و مدون شده و با قاعده‌های حاکم بر زبان فارسی مقایسه و تطبیق گردیده است. این کتاب در سال ۱۳۷۷ در ۴۵۱ صفحه منتشر شد و در محافل درون مرزی و برون مرزی مورد توجه قرار گرفت. "واژه‌نامه‌ی گویش بیرجند" اثر دیگری است که توسط جمال رضایی گردآوری شده است. وی در این کتاب بیش از پانزده هزار از واژه‌ها و نام‌ها و ترکیبات و اصطلاحاتی که در گویش بیرجند رواج داشته و دارد، جمع‌آوری کرده و با شیوه‌ی علمی مدون و مرتب نموده است. حسن مهرجوف در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی که در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه شیراز نوشته است به بررسی گویش بیرجندی می‌پردازد. وی در این اثر، ساختار صوتی و قانون مندی‌های آن، ساختمان واژه و کیفیت واژه‌سازی، فعل، نحو و ویژگی‌های زبرنجیری گویش بیرجندی را بررسی می‌کند و در انتها فهرستی از واژگان این گویش ارائه می‌دهد. رضا زمریدیان نیز مبادرت به گردآوری واژگان گویش قاینی و نگارش "واژه‌نامه‌ی گویش قاینی" کرده است. وی در کتاب "زبان‌شناسی عملی: بررسی گویش قاین" به بررسی آواهای گویش قاینی و مقایسه‌ی آن با فارسی رسمی، صرف و نحو و ساختمان واژه می‌پردازد. علاوه بر این ماهرخ خزائی نژاد در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود ویژگی‌های آوایی و صرف و نحوی گویش گزیکه-یکی از شهرهای شهرستان درمیان- را توصیف و بررسی می‌کند.

تنها پژوهشی که پیش از این در مورد گویش گیوی صورت گرفته تحقیقی است که تغییرات آوایی واژگان فارسی میانه تا گویش امروز گیو را بررسی می‌کند و برای این دگرگونی‌ها قواعد آوایی ارائه می‌دهد. این

تحقیق به صورت مقاله در مجله ی "زبان‌شناسی و گویش های خراسان" به چاپ رسیده است (فاروقی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۲۱). غیر از تحقیق مذکور هیچ گونه پژوهشی در مورد گویش گیوی انجام نشده است.

۱-۶ تاریخ تحول زبان فارسی

زبان فارسی از گروه زبان های ایاری منشعب شده است. زبان های ایاری به گروهی از زبان ها و لهجه ها اطلاق می شود که از نظر ویژگیهای زبان وجوه مشترک دارند. این نامگذاری بر مبنای معیارهای زبان شناختی صورت گرفته است و نه مرزهای جغرافیایی سی سرکسری کنوری ایان. بر این اساس زبان ترکی که هم اکنون در ایران مورد استفاده قرار می گیرد، جزء زبان های ایرانی نیست اما زبان آسی که در قفقاز بدان سخن می گویند، شاخه ای از زبان های ایرانی است (ژاله آموزگار، ۱۳۷۳: ۱).

از لحاظ تحول تاریخی می توان برای زبان های ایاری سه دوره در نظر گرفت: دوره باستان، دوره ی میانه و دوره ی جدید.

۱ - دوره باستان: محققین زبان های باستانی بر زمان دقیق شروع این دوره اتفاق نظر ندارند. اما بیشتر آن ها آغاز این دوره را مصادف با زمان تألف گاهان ط گات های زردشت و پایان آن را اواخر دوره ی هخامنشی که حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد است، می دانند. در مکن زبان های ایی دوره، تنها از دو زبان اوستایی و فارسی باستان آثار مکتوب در دست است.

زبان اوستایی از نظر ویژگی های زبانی متعلق به شرق و شمال شرقی ایان باستان است که کتاب اوستا بدان نوشته شده است. هیچ یک از زبان های ایاری ادوار بعدی را نمی توان دنباله ی زبان اوستایی دانست.

بسیاری از محققین زبان های باستانی بر این باورند که زبان اوستایی را باید دو گویش دانست؛ یکی گویش قدیم که در گاهان به کار رفته و امروزه به آن گویش گاهانی می گویند و دیگری گویش جدید که در دیگر

بخش های اوستا به کار رفته است. متخصصین اوستا گاهان را سروده ی خود زردشت می دانند؛ با در نظر گرفتن این امر که ظهور زردشت بین قرن ۱۱ تا ۶ قبل از میلاد باشد، گاهان نیز به همین ایام برمی گردد (صفوی، ۱۳۶۷: ۳۴). با این فرض آغاز دوره ی باستان قرون ۱۱-۶ قبل از میلاد است.

زبان فارسی باستان در جنوب غربی ایران معمول بوده و کتیبه های پادشاهان هخامنشی بدان نوشته شده است. زبان فارسی امروز، صورت تحول یافته ی زبان فارسی باستان است.

۲- دوره ی مئانه: این دوره از اواخر حکومت هخامنشیان (عبری پانین دوره ی باستان) آغاز می شود. عده ای از زبان شناسان پانین این دوره را انقراض فرمانروایی سلسله ی ساسانی (۶۵۱ میلادی) می دانند. اما از آنجا که رویدادهای مهم تاریخی نمی توانند موجب تحول و دگرگونی ناگهانی زبان از جهات و جنبه های مختلف شوند و پدیده ی تحول در طول چندین سال صورت می پذیرد و با توجه به این که نگارش به زبان های مئانه تا قرن سوم و چهارم هجری و حتی در مواردی تا قرن هفتم هجری ادامه می یابد، چند قرن نخستین هجری را می توان به طول دوره ی مئانه زبان های ایاری افزود. ارانسکی این دوره را از قرن چهارم و سوم قبل از میلاد تا قرن هشتم و نهم میلادی می داند (۱۳۷۹: ۱۴۵).

زبان های ایاری مئانه به دو گروه عمده تقسیم می شوند: زبان های ایاری مئانه ی شرقی و زبان های ایاری مئانه ی غربی.

زبان های ایاری مئانه ی شرقی که از آن ها آثاری باقی مانده است عبارتند از: سغدی، سکایی، بلخی و خوارزمی. در این مملکت زبان سغدی به دلیل این که مهم ترین زبان های ایاری رایج در آسیای مرکزی و مدت مدیدی زبان رابط بین فرهنگ های شرق و غرب آسیا بود و آثار مکتوب زیادی از آن به دست آمده است، مهم ترین زبان گروه شرقی محسوب می شود (باقری، ۱۳۷۵: ۶۷).

از مملکت زبان های گروه غربی، از دو زبان پارسی (پهلوی اشکاری) و فارسی مئانه (پهلوی ساسانی) نوشته هایی در دست است.

زبان پارسی (زبان قوم پارت) در مدت حکومت اشکانیان معری از ۲۵۰ ق. م تا ۲۲۴ م. زبان رسمی و اداری ایران بود. این زبان تقریباً تا حدود قرن چهارم میلادی در ایران رواج داشت و حتی کتیبه های شاهان نخسغین ساسانی به این زبان نگاشته می شد (باقری، ۱۳۷۵: ۷۶).

زبان فارسی میانه که صورت تحول یافته و دنباله ی بلافصل زبان «فارسی باستان» است، زبان اطالت پارس و زبان رسمی و اداری ساسانی (البته در کنار پهلوی اشکانی) بوده است. زبان فارسی میانه و پارسی قرابت و نزدیکی خاصی دارند و تنها اختلاف ملکن آن ها اختلاف لهجه ای و آوایی است (باقری، ۱۳۷۵: ۷۷).

۳- دوره ی جدید: این دوره از اواخر زمان ساسانی آغاز گردیده و تاکنون ادامه دارد. مهمترین زبان این دوره فارسی است. زبان ها و لهجه های ایرانی گوناگوری که در قلمرو کنونی ایران و خارج از ایران معمول اند همه به این دوره تعلق دارند؛ مانند کردی، آسری، بلوچی، گیلکی و مازندرانی (ژاله آموزگار، ۱۳۷۳: ۳).

۱-۱-۶ فارسی میانه کی پهلوی

اصطلاح پهلوی منسوب به پهلوی است و این واژه از صورت ایرانی باستان Parθava گرفته شده که به سرزمین پارت اطلاق می شده است. طبق قوانین مربوط به تحولات آوایی زبان فارسی با تبدیل θ به h و حذف مصوت پایانی، این واژه به صورت Parhav در می آید و سپس با تحول r به l و فرایند قلب یا جا به جایی بین دو واج h و l به Pahlav تبدیل می شود (باقری، ۱۳۷۵: ۷۵). در زبان فارسی میانه هر آن چه منسوب به پارت (پرتوه) بوده، پهلویگ و پهلوارگی خوانده می شد. فارسی کی پارسی منسوب به پارس است و این نام از صورت ایرانی باستان Parsa مشتق شده و منسوب به آن در فارسی میانه "پارسیگ" است. بنابراین از نظر اشتقاق پهلوی به معنی "زبان پارسی" است نه فارسی، اما از دی زمان نوشته های زردشتیان را که به فارسی میانه است پهلوی (و در عربی فهلوی) نامیده اند.

اطلاق پهلوی به فارسی مکنه (زبان متن های زردشتی که به زبان متداول دوران ساسانی نوشته شده) از قرن سوم هجری است و پیش از این تاریخ در متون اصلی دو اصطلاح پهلویگ و پارسیگ هر یک به جای خود به کار می رفتند (آموزگار، ۱۳۷۳: ۳).

اما در قرن های نخستین دوران اسلامی، اصطلاح "فارسی" را برای "فارسی نو" که از "فارسی مکنه" متحول شده بود، به کار می بردند. بنابراین برای جلوگیری از ابهام "فارسی مکنه" را در تقابل با "فارسی نو"، "پهلوی" نامیدند که در مکن زبان های ایرانی پس از فارسی مکنه از همه معروف تر بود و در این زمان "پارتی" (پهلویگ) دیگر زبان زنده ای نبود که موجب ابهام گردد. بنابراین در دوره ی ساسانی، پهلویگ در تقابل با پارسیگ و در دوره ی اسلامی "پهلوی" (= فارسی مکنه) در تقابل با "فارسی نو" قرار دارد (آموزگار، ۱۳۷۳: ۴-۳).

تاوادی واژه ی پهلوی را این گونه توضیح می دهد:

«منظور از پهلوی یکی از زبان های ایرانی میانه است که آثار بسیاری از جمله یک رشته نوشته های دینی و غیر دینی زردشتی به آن زبان نقل و روایت شده و به دست ما رسیده است. معنای اصلی این واژه "مربوط به پهلوی است". واژه ی پهلوی از پرتوه فارسی باستان ساخته شده — در این زمان پرتوه نام سرزمین و قومی است که در زمان هخامنشیان معروف بوده. همان سرزمینی که امروز خراسان نامیده می شود و در شمال شرقی ایران قرار دارد.» (۱۳۸۳: ۱)

وی در ادامه بیان می کند که فرق های گویشی که در هر دو زبان کتیبه های ساسانی دیده شده نشان می دهد زبان معمول زردشتیان آن زمان، یعنی پهلویک، زبان سرزمین پهلوی نیست بلکه فقط زبان سرزمین پارس است (همان: ۲). تاوادی نیز بر این باور است که واژه ی پهلوی همان فارسی میانه است و در دوره ی اسلامی زبان رایج دوره ی ساسانیان را به این دلیل پهلوی می نامیدند که زبانی کهنه تر در مقایسه با فارسی آن دوره بود (همان: ۱۳). بنابراین زبان پهلوی همان زبان فارسی میانه است.

۱-۷ زبان؛ گویش؛ لهجه

از آن جا که تحقیق حاضر به مقایسه ی زبان فارسی میانه و گویش گیوی می پردازد، قبل از شروع مبحث اصلی ابتدا مختصری درباره ی دو اصطلاح زبان و گویش و در کنار آن لهجه توضیحاتی بیان می کنیم. زبان شناسان در مورد اصطلاحات زبان و گویش توافق کامل ندارند و تاکنون تعریف کاملی که مورد پذیرش همه باشد، برای آن ها ارائه نشده است.

مهم ترین و معمول ترین معیار زبان شناختی برای تشخیص زبان از گویش قابلیت فهم متقابل است. مطابق این معیار، اگر گویندگان دو گونه ی زبانی بدون هیچ گونه آموزش آگاهانه بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، می توان آن دو گونه را گویش های یک زبان واحد دانست. اما هرگاه تفهیم و تفاهم میان گویندگان آن ها ممکن نباشد، باید آن ها را دو زبان جداگانه محسوب کرد (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). قابلیت فهم امری است نسبی و تا حدی به این بستگی دارد که مردم تا چه حد گفتار خود را تطبیق بدهند تا فهم آن را آسان تر کنند (متیوز، ۱۳۸۸: ۱۰۴). با این حال قابلیت فهم متقابل معیاری سودمند و نسبتاً قابل اعتماد به شمار می آید که می تواند در بسیاری از موارد به کار گرفته شود. طبق این معیار، فارسی تهرانی و فارسی کابلی گویش های یک زبان واحدند اما کردی، بلوچی و فارسی که گویندگان آن ها به طور عادی نمی توانند سخن یکدیگر را بفهمند، زبان های جداگانه ای هستند.

- شایان ذکر است که بر اساس معیارهای غیرزبان شناختی، فارسی تهرانی و کابلی به دلیل این که داخل مرزهای سیاسی یک کشور نیستند، دو زبان متفاوت محسوب می شوند و کردی و بلوچی به این دلیل که درون مرزهای سیاسی یک کشور به کار می روند یا در قلمرو اجتماعی محدودتر و در میان گویندگان کم تر، کاربرد اجتماعی و فرهنگی محدودتری دارند، گویش محسوب می شوند که این نوع تقسیم بندی زبان و گویش از منظر زبان شناختی نادرست است

در مقایسه بین گویش و لهجه، معمولاً اصطلاح گویش توصیف کننده‌ی مشخصه‌های دستوری، واژگانی و نیز جنبه‌های تلفظی است اما اصطلاح لهجه وقتی به کار می‌رود که به توصیف جنبه‌هایی از تلفظ محدود شود (یول، ۱۳۷۶: ۲۶۶).

براین اساس شاید بتوان گونه‌ی زبانی که در روستای گیو به کار می‌رود، گویش محسوب کرد؛ چرا که تفاوت‌های آن با گونه‌ی بیرجندی صرفاً آوایی نیست.

۱-۸ معرفی روستای گیو

روستای گیو از توابع بخش خوسف شهرستان بیرجند می‌باشد که در ۸۵ کیلومتری این شهرستان واقع شده است. این روستا با ۷۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۶۹ پرجمعیت‌ترین روستای دهستان ماژان بوده اما هم‌اکنون به علت مهاجرت ساکنان آن، جمعیت روستا کاهش یافته به طوری که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۳۱۹ نفر اعلام شده است. با توجه به منابع غنی آب‌های زیرزمینی و وجود زمین‌های هموار وسیع، کشاورزی در این منطقه بسیار رونق دارد. محصولات عمده‌ی کشاورزی روستا شامل گندم، چغندر قند، پسته، پنبه و زعفران است.

آثار و بقایای خرابه‌ها و دیوارهای سنگی اطراف گیو نشان می‌دهد که این روستا در گذشته بسیار بزرگ بوده است. درباره‌ی وسعت روستا گفته می‌شود که در گذشته حدود ۱۲ کیلومتر طول و بیش از ۶ کیلومتر عرض داشته است (ترابی، ۱۳۶۹: ۳).

گویش ساکنین روستا یکی از گویش‌های زبان فارسی است. پروفسور لازار، استاد دانشگاه پاریس، طی مطالعاتی که در مدت ۲۰ روز در سال ۱۳۴۲ بر روی گفتار روستاییان انجام داد، اظهار داشت که زبان محاوره‌ی آن‌ها از لغات فارسی باستان سرشار است.

فصل دوم

ساخت واژه

واژه های محتوایی زبان فارسی را می توان از نظر ساختمان یا همان تکواژهای تشکیل دهنده ی آن ها به چهار گروه واژه های ساده، مشتق، مرکب و مشتق مرکب طبقه بندی کرد.

واژه های ساده یا بسیط واژه هایی هستند که تنها از یک جزء تشکیل شده اند و این جزء لزوما یک تکواژ ریشه ای است، به عبارت ساده تر واژه ی ساده همان تکواژ آزاد است هنگامی که به عنصر دیگری متصل نباشد مانند درخت، سوز، سرد.

مشتق به واژه ای گفته می شود که از یک جزء مستقل و یک یا چند وند اشتقاقی ساخته شده باشد. چنان که واژه ی مشتق "نوازش" از تکواژ مستقل "نواز" و پسوند "ش" تشکیل شده است.

واژه ی مرکب از دو جزء مستقل تشکیل شده است که این اجزاء می توانند اسم، صفت، قید، ضمیر و یا ماده ی فعلی باشند. واژه هایی چون "کتابخانه"، "رهگذر"، "پیشگام" و "راستگو" مرکب اند.